

“انتخابات” و به صحنه آمدن محتوای گنبدیده نظام!

تقی روزبه



جایگزینی و تعویض باندی با باند دیگر حاکمیت، تحت عنوان بد در برابر بدتر و موقعیت تاکتیکی و شرایط اضطراری بخشی از فرایند بازتولید حاکمیت بی شمار می رود. موقعیتی که تمامی ندارد و همواره وجود داشته و خواهد داشت و تنها خاصیتش این است که راه را برای شکل گیری یک صف مستقل می بندد.

هر نظام وسیستمی مثل هر موجودی زنده دارای دوره تولد و رشد و پیری است. صرف نظر از این که حکومت اسلامی از همان بدو تولد موجودی واپسگرا و ناهمساز با دست آوردهای تاریخی بشر بود، اما این قانون در مورد رژیم های نابهنگامی که قادر به تغییر خود در انطباق با نیازها و مقتضیات زمانه خود نیستند دوچندان می شود. اکنون مدت هاست که جمهوری اسلامی وارد دوره فرتوتی و سترونی کامل خود شده و بدلیل سماجت بر حفظ قوام و ماندگاری خود با تکیه بر زور و سرنیزه، تنها انگل وارگی و محتوای گنبدیده خویش را به نمایش می گذارد. “انتخابات” اخیر فرصتی است برای به نمایش درآمدن این انگل وارگی و گنبدیدگی در مقیاسی کلان و اوجی تازه. گرچه مردم همواره عوارض این گنبدیدگی را هر لحظه و هر ساعت در زندگی روزمره خود با پوست و گوشت خود لمس می کنند، اما عریان شدن آن در ابعاد کلان خود بخشی از شتاب گرفتن روند فروپاشی از درون است. تنها نگاهی به چند رویداد بخوبی ابعاد انگل وارگی را به نمایش می گذارد:

آپارتاید جنسی

الف- سخنان تمسخرآمیز محمد یزدی پیرامون نام نویسی چند زن، رسماً پرده از ابعاد تبعیض مبتنی بر جنس و شهروندی درجه دو یعنی محرومیت نصف مردم ایران از حق انتخاب شدن برمی دارد؛ او با لودگی و خرفتی بی پایان، با نقل این ضرب المثل که کسی را به ده راه نمی دادند او سراغ کدخدا رامی گرفت، به خانمی که جرئت کرده اسم نویسی کند و وعده بدهد که نیمی از کابینه اش را زنان و نیم دیگر را مردان تشکیل خواهند داد، عمق مردسالاری نفرت انگیز و نهفته در اعماق باورهای زمامداران را نشامی می دهد. سال ها بود که حکومت اسلامی

سعی می کرد از صراحت دادن به معنای رجل سیاسی به عنوان یکی از معیارهای کاندیداهای ریاست جمهوری در قانون اساسی، ضمن وفاداری کامل به آن در عمل، طفره برود اما امروزه کارنظام در فاز گنبدیدگی به جایی رسیده است که از بیرون ریختن مکنونات ارتجاعی خود در برابرانظار مردم ایران و جهان ابائی ندارد!

کاندید شدن آدم کشان!

ب- اوج این گنبدیدگی را علاوه بر سخن و عملکرد کارچرخانان و کارگزاران خامنه ای که بدنبال رئیس جمهوری با زره پولادین برای جنگیدن با آسیاب های بادی است و عناصر گوش به فرمانی هم چون یزدی ها و جنتی ها و نمایندگان مجلسی که خواهان تیزتر شدن تیغ نظارت استصوابی هستند، بسهولت می توان در کیستی کاندیداها مشاهده کرد: این که جنایتکاران و آدم کشانی چون مصطفی پورمحمدی (از عناصر اصلی هئیت مرگ در تابستان سیاه ۶۸) و یا فلاحیان وزیر اطلاعات رفسنجانی به خود جرئت کاندیدا شدن می دهند دقیقاً در ارتباط با ورود جمهوری اسلامی به فاز انحطاط و گنبدیدگی کامل قابل توضیح است. اما آخرین شاهکار از این نمونه عالیجناب محمد قالیباف شهردار پرطمقراق و باصطلاح مدرن است. او که این روزها سخت درسودای دست یابی به ریاست جمهوری است، و برای برکشیدن به آن، خود را نیازمند حمایت بسیجی ها و حزب الهی ها می بیند، درمستی سودای خود طی سخنانی در محافل حزب اله، دست به خود افشاگری زده و پرده از چماقداری خود در حوادث کوی دانشگاه و گرفتن حق ورود و تیراندازی ناجا به دانشجویان و نقش خود در نگاشتن نامه اولتیماتوم به دولت خاتمی برمی دارد. گرچه او با این کار خود به نوعی خودزنی سیاسی مبادرت کرده است، اما بخوبی می داند که در فاز گنبدیدگی نظام تنها با برخ کشیدن تراز بالاتری از انحطاط می توان خود را بالا کشید!

تناسب بین گنبدیدگی نظام و کاندیداها، فقط شامل ساختار اصلی قدرت و باندهای آن نیست، بلکه دامنگیر اپوزیسیون قانونی و درونی نظام نیز هست. این که فردی مثل رفسنجانی که از کارگردانان اصلی تمام کودتاها و شبه کودتاها جمهوری اسلامی در دهه های گذشته علیه رقباء بوده است، و حذف بازرگان و بنی صدر و برکشیدن خامنه ای به ولایت مطلقه، عزل و خانه نشین کردن منتظری، و نیز ترورهای اپوزیسیون در دوران ریاست جمهوری و پیش برد نسخه های بانک جهانی در حوزه اقتصادی و از جمله تعدیل ساختاری و اشاعه فقر و سرکوب اعتراضات محرومین از شاهکارهای اوست، و این که اکنون او با لباس فاخر ناجی نظام گرفتار در چنبره بحران ها وارد صحنه انتخابات می شود، وجه دیگری از این فرایند انحطاط و گنبدیدگی است. امروزه پشت گرمی او

فقط به کارگزاران و بخش‌هایی از طبقه بورژوازی ناراضی از اوضاع نیست، بلکه به حوزه‌ها و روحانیت ناراضی و عصبانی از دست احمدی نژاد نیز هست. علاوه بر این و مهم‌تر از همه، او به پشت گرمی بی‌قید و شرط اصلاح‌طلبانی که نان جنبش سبز و خالی بودن صحنه انتخابات بدلیل سرکوب را می‌خورند و برای او فرش قرمزپهن کرده‌اند نیز دلگرم است. باین ترتیب انحطاط و گنبدیدگی دامن اصلاح‌طلبان را هم گرفته است که این روزها با سودای بازگشت مجدد به قدرت و مشارکت در آن، شب و روز می‌گذرانند.

باین ترتیب رژیم چه در قالب کاندیدهای اخص خود و چه در قالب کاندیدهای اپوزیسیون درونی نظام چیزی جز انحطاط را به نمایش و رأی‌گیری نمی‌گذارد. با چنین شرایطی آیا رأی به جمهوری اسلامی رأی به انحطاط و جان‌بخشیدن به آن نیست؟.

اختلال در چرخه بازتولید یا مشارکت در آن؟

گرچه یکی دیگر از مشخصات نظام در فاز گنبدیدگی، بی‌پایگاهی و تکیه کاملش بر سرنیزه و زور است. اما نباید فراموش کرد که هیچ نظامی ولو کاملاً سرکوب‌گرو مستبد، بدون مشارکت و حمایت مردم قادر به تداوم حیات و بازتولید خود نیست. و هرآینه اگر مردم یک کشور مصمم بشوند که جلوی چرخه بازتولید آن را در حوزه‌های گوناگون بگیرند، هیچ رژیمی نمی‌تواند بر سرپای خود بایستد. بی‌تردید یکی از مصادیق مهم بازتولید رژیم نمایشات ادواری مسخره و مضحک او بنام انتخابات و کشاندن هرچه بیشتر مردم به ورطه آن است که در آن سعی می‌کند با توسل به انواع ترفندها و معرکه‌گیری‌ها، و شعارهای چون حماسه سیاسی، رأی مردم را نسبت به گزینه‌هایی مورد نظر خود بدست بیاورد، تا با دوپینگ سیاسی و مشروعیت برآمده از آن چند صباحی به عمر ننگین خود بیافزایند و بتوانند به سیاست سرکوب و تاراج ثروت جامعه ادامه دهد. و از قضا در این گونه بزنگاه‌ها است که اپوزیسیون درونی حاکمیت، که هویت و موجودیتی مستقل از سیستم برای خود متصور نیست، می‌تواند در انجام موفقیت آمیز دوپینگ سیاسی و چرخه بازتولید حاکمیت نقش بی‌همتایی را بازی کند. واقعیت آن است که نمایش انتخاباتی پیش‌رو، آزمون بزرگی است برای مردم و بویژه نسل جوان که با وجود تجربه زنده‌ای که در پشت سردارند، آیا حاضر خواهند شد بار دیگر تحت عناوینی چون بد و بدتر و یک‌مواخرس غنیمت است، دم را غنیمت شمار و نظایر آن، و به وساطت اصلاح‌طلبان در چرخه بازتولید رژیم مشارکت کنند؟ جایگزینی و تعویض باندی با باند دیگر حاکمیت، تحت عنوان بد در برابر بدتر و موقعیت تاکتیکی و شرایط اضطراری بخشی از فرایند بازتولید حاکمیت بی‌شمار می‌رود. موقعیتی که تمامی

ندارد و همواره وجود داشته و خواهد داشت و تنها خاصیتش این است
که راه را برای شکل گیری یک صف مستقل می بندد.

۲۹-۰۲-۱۳۹۲ / ۲۰۱۳-۰۵-۱۹

<http://taghi-roozbeh.blogspot.com/>

taghi_roozbeh@yahoo.com